

سیاست جنایی قضایی غیر کیفری در حمایت از منابع طبیعی

صبار رحمت آبادی*، امیر احمدی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲)

چکیده

در روند تخریب منابع ملی به عنوان ذخایر و ثروت کشور، ضرورت کنترل جرایم در حمایت از منابع ملی و اتخاذ یک سیاست جنایی قضایی غیر کیفری کارآمد در این حوزه کاملاً احساس می‌شود. اهمیت پرداختن به موضوع حمایت از منابع طبیعی از جمله اراضی ملی با توجه ماهیت و آثار و عوارض آن خصوصاً در جامعه ایرانی، با توجه سرعت تخریب و تهدید علیه منابع طبیعی یکی از اولویتهای مورد بررسی در حوزه سیاست جنایی قضایی می‌تواند باشد. همچنین با توجه به بیان مقام معظم رهبری (مدظله) که بر پیشگیری در حوزه‌ی منابع طبیعی از جمله زمین‌خواری، تخریب جنگل‌ها و نظایر آن تأکید فرمودند می‌توان به ضرورت و اهمیت تحقیق پی‌برد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جز تحقیقات کاربردی و مسأله محور است و نوع تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. از آن جهت که در مقام بررسی و ارائه راهکار برای یک مسأله اجتماعی تحت عنوان سیاست جنایی قضایی در حوزه حمایت از منابع طبیعی است به دنبال بیان معایب و نواقص در این حوزه می‌باشیم. از این رو با بررسی پیشگیری اجتماعی و وضعی در حوزه‌ی حمایت از منابع طبیعی و ملی اولاً: می‌خواهیم مشخص نماییم که تا به امروز در حوزه‌ی منابع طبیعی و ملی چه اقدامی قضایی در بعد غیر کیفری صورت پذیرفته است که به نظر می‌رسد باید در این خصوص اهتمام جدی شود تا به بازدارندگی و پیشگیری از جرایم این حوزه دست یافت دوماً: به ارئه و بیان خلاءها و نواقص در این موضوع بپردازیم. همچنین پیشنهاد می‌شود تمام دستگاه‌ها با تدابیر و سیاست‌های قضایی مناسب و علمی با مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در جهت نهادینه کردن فرهنگ حمایت از منابع طبیعی کوشید.

کلیدواژگان

اجتماعی، پیشگیری، سیاست جنایی، قضایی، منابع طبیعی، وضعی.

* گروه حقوق، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: دکتری حقوق اسلامی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

رایانامه: Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

مقدمه

بی‌تردید توسعه‌ی کشاورزی، صنعتی و شهرنشینی و نظایر این موارد، صدماتی را بر منابع طبیعی وارد ساخته است و گاهاً منجر به پدید آمدن اعمال بزهکارانه از سوی عده‌ای منفعت طلب در این حوزه شده‌است. کنترل و پیشگیری از این بزه و جرم در جامعه با دو تدبیر کیفری و غیرکیفری میسر می‌باشد. در حوزه حمایت قضایی از منابع طبیعی بُعد کیفری آن را مورد بررسی و مطالعه قرار دادیم. اندیشمندان در پیشگیری از جرم به عدم موفقیت نظام عدالت کیفری اذغان دارند و آنها را به فکر تعدیل و محدود سازی سیاست‌های کیفری و الغاگرایی کیفری انداخته‌است.

برخورد باه پدیده بزه‌کاری با سلاح کیفر، واکنشی موفقیت آمیز نبوده‌است اصولاً مبارزه با معلول بدون توجه به علت، در نهایت اقدام مفید و نتیجه بخشی نخواهد بود. احتساب مخارج ناشی از اجرای کیفر و اقدامات تربیتی و هزینه‌های ناشی از جرایم به بزهکار، بزه‌دیده و جامعه رقم هنگفتی را به ما نشان می‌دهد که اگر مدیران یک کشور به درجه‌ای از تعالی فکری برسند که به جای صبر کردن و در کمین نشستن تا جرمی اتفاق بیفتند و مرتکب تحت تعقیب قرار گیرد، هم خود را وقف پیشگیری از وقوع جرم نموده و یا صرف هزینه‌های فوق، نسبت به رفع کمبودها و نیازهای افراد جامعه همت گمارند، بی‌گمان خواهند توانست از رشد کمی و کیفی جرایم در جامعه جلوگیری نموده، و پدیده بزهکاری را مهار نمایند (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۵۷). اما در بُعد غیرکیفری می‌توان گفت، فرهنگ‌سازی در اجتماع در جهت کاهش جرایم و صیانت از منابع طبیعی به صورت غیرکیفری نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق کارشناسی شده می‌باشد. لذا در این خصوص بدون به کارگیری سازمان‌ها و دستگاه‌های آموزشی، امنیتی، اداری و قضایی این مهم میسر نمی‌باشد. امروزه با توجه به افزایش بی‌رویه تخریب و تصرف در منابع ملی و طبیعی که مصادیق آن بیان شد، سخن از ضرورت به کارگیری راهبردهای جدید از سوی قوه قضاییه در پیشگیری از جرم در این حوزه نیاز است. نهاد قوه قضاییه و در ذیل آن معاونت پیشگیری از جرم این قوه، می‌تواند ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با هدف پیشگیری از جرم در حوزه منابع طبیعی و ملی و حتی زیست محیطی داشته باشد. اینکه فارغ از نهادهای دولتی دیگر، در بُعد پیشگیری

غیر کیفری با سیاست جنایی قضایی سهم قانونی و اخلاقی قوه قضاییه را باید چقدر بدانیم سؤالی است که در اینجا به دنبال آن هستیم. همچنین تحقق پیشگیرانه در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی و ملی بدون توجه به نقش نهادهای غیر دولتی و مردم نهاد میسر نمی‌باشد؛ زیرا اجتماعی بودن این پدیده‌ی مجرمانه ایجاب می‌نماید تا در حد امکان برای پیشگیری و سرکوب جرایم و تخلفات این حوزه از تمام قابلیت‌های اجتماعی استفاده گردد.

با بررسی به عمل آمده برخی پیشگیری غیر کیفری را مربوط به قبل از جرم می‌دانند و از لحاظ سنتی به پیشگیری اجتماعی و وضعی تقسیم نموده‌اند. معتقدند که پیشگیری اجتماعی نیازمند برنامه بلند مدت می‌باشد و اثر بهتر و پایدارتر نسبت به پیشگیری وضعی خواهد داشت و مشتمل بر اقدامات پیشگیرانه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و به دنبال علل و رفع ریشه‌های جرم می‌باشد. اما پیشگیری وضعی را مدیریت فرصت‌ها و حذف بهانه‌ها و زمینه‌های ارتکاب جرم بر بزه‌دیده‌ی بالقوه می‌دانند. لذا پیشگیری اجتماعی مجموعه اقداماتی است که به دنبال خنثی کردن عوامل جرم‌زا می‌باشد و در محیط‌های عمومی مانند اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و شخصی خانواده، محله و نظایر اینها مداخله می‌کند (کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۶). از قدیم الایام برای مهار پدیده بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط افراد مستعد، روش‌ها و سیاست‌های مختلف و متفاوتی به وسیله مدیران جامعه- بر اساس نوع تفکر- اعمال و اجرا شده‌است (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۵۷). لازم به ذکر است که در این پژوهش به دنبال پیاده کردن مدل‌های مختلف سیاست جنایی غیر کیفری نیستیم و فقط می‌خواهیم نوع سیاست جنایی قضایی صورت گرفته در حمایت از منابع ملی و طبیعی را دنبال کنیم.

مفهوم پیشگیری غیر کیفری

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع و از پیش مانع شدن از چیزی و همچنین اقدامات احتیاطی از اتفاقات بد و ناخواسته نیز معنا شده‌است (معین، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۳۳). تعریف جامع و مانع و واحدی از تعریف پیشگیری غیر کیفری در اثر نویسندگان به چشم نمی‌آید، اما نقطه‌ی اشتراک همه‌ی تعاریف به «مانع شدن از وقوع جرم» اشاره دارند. برخی پیشگیری غیر کیفری

(کنشی) را جلوگیری و مانع شدن از اندیشه‌ی مجرمانه به صورت بالفعل، با دگرگون کردن اوضاع و احوالی که جرم مشابه صورت گرفته یا ممکن است صورت پذیرد، دانسته‌اند (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰). به عقیده برخی، پیشگیری غیرکیفری، مشتمل بر اقدامات غیر قهرآمیز، مبتنی بر ماهیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره است و به منظور ترویج جامعه‌پذیری و قانون‌مداری صورت می‌گیرد و نظام کیفری در آن مداخله ندارد، اقدامات سرکوب‌گرایانه‌ای که هزینه‌ی مالی و انسانی بر دولت، جامعه و خانواده دارد منتفی می‌باشد (رجوع کنید به کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۷). با توجه به اهمیت مقوله پیشگیری از جرم و ضرورت توجه به آن، سازمان ملل متحد هم از سال ۱۹۵۵ میلادی به بعد به منظور دستیابی به راهکارهای برای پیشگیری از جرم و طراحی استانداردهای برخورد با مجرمین کنگره‌های متعددی هر پنج سال یکبار در این خصوص برگزار نموده است (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۵۸).

در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ دو تقسیم‌بندی از پیشگیری برابر دو قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ارائه شد. در تقسیم بندی اول، پیشگیری از اولیه و پیشگیری از تکرار جرم، توصیه گردیده و در تقسیم بندی دوم پیشگیری اجتماعی، وضعی و پیشگیری از شکل‌گیری جرایم سازمان یافته بیان گردیده است (محمد نسل، ۲۰۰۱، به نقل از نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۵۸).

سیاست جنایی قضایی در پیشگیری اجتماعی برای حمایت از منابع طبیعی

از آنجای که پیشگیری بهتر از علاج است، این مهم در پیشگیری از جرم در منابع طبیعی و اراضی ملی صدق می‌کند. نقطه‌ی اشتراک پیشگیری کیفری و اجتماعی آن است که هر دو در بزه کارمدار هستند اما یکی با اقدامات سرکوبگرانه و دیگری با برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توأم است (کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۶). برخی پیشگیری اجتماعی^۱ را نوعی از تدابیر پیشگیرانه دانسته، و مداخله فعال در محیط زندگی اجتماعی عمومی افراد و بررسی علل جرم و آسیب‌های اجتماعی، با

پاسداشت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از وظایف دولت می‌دانند (قماشی و عارفی، ۱۳۹۶، ص ۸۶). از آنجایی که تمرکز اقدامات پیشگیری اجتماعی بر روی فرد است از این جهت، پیشگیری مجرم مدار (فرد مدار) است. به عبارت دیگر، پیشگیری اجتماعی بر این نظریه استوار است که عوامل مختلفی در ایجاد جرم مؤثر هستند، بنابراین به دنبال شناسایی این عوامل، در صدد مهار آنها بر می‌آید که در نهایت منتج به مجرم نشدن افراد، حذف یا کاهش جرایم و سالم‌سازی جامعه می‌شود (کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

با جهانی شدن فرهنگ مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی معینی، جامعه و نهادهای اجتماعی، محیط اجتماعی، و فرهنگی و حتی مفاهیم امنیت اجتماعی، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، وفاق اجتماعی ابعاد جدید و گسترده‌تری پیدا کرده‌اند به گونه‌ای که پیشگیری اجتماعی از جرم در سطح ملی بدون توجه به واقعیات عینی و نظری وابسته به تحولات فرهنگ در سطح جهانی و بدون داشتن نگاهی جامع به محیط فرهنگی جهانی که بستر تولد و تحول رویدادها و شکل‌گیری مسائل جهانی می‌باشد، میسر نیست (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

خواستگاه اجتماعی مبارزه با بزهکاری امکان وقوع جرم را کاهش می‌دهد یا از بین می‌برد و برعکس، همانطور که در فوق اشاره شد، مقوله کیفری تأثیری مشهود بر اصلاح جامعه و فرد ندارد. لذا قانونگذار در برنامه پنجم توسعه به پیشگیری روی آورده است و بیشتر به قبل از وقوع بزه توجه دارد و به بهره‌گیری از شیوه‌های جدید اصلاح و تربیت مجرمان اهتمام دارد. بنابراین معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه باید با بهره‌گیری از قانون برنامه پنجم توسعه و با توجه به اصول قانون اساسی با توجه به فضای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه زمینه‌ی ارتکاب جرم در عرصه‌ی منابع ملی و طبیعی را با برنامه‌ی مدون کاهش دهد. از سوی نگاه قانون برنامه به فضای بد اقتصادی است که زمینه‌ی ساز بزه می‌باشد. با این وجود، قوه قضاییه در پیشگیری از بزه در منابع طبیعی و ارضی ملی با نگاهی اجتماعی به این مقوله با توجه به زمینه سازی در بُعد فرهنگی و اجتماعی می‌تواند از وقوع جرم در این عرصه جلوگیری نماید، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. در حوزه‌ی سیاست جنایی قضایی ایران، قانونگذار نهادهای مختلفی را مؤظف به پیشگیری و بازدارنده‌گی از وقوع بزه‌کاری و یا بازپروری مجرمان نموده است، اما وفق بند ۵

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و قانون برنامه پنجم توسعه مدیریت بازدارنده‌گی از وقوع بزه‌کاری و یا بازپروری مجرمان در ردیف وظایف قوه قضائیه می‌باشد. لذا در حوزه حمایت از منابع طبیعی به بررسی سیاست جنایی اجتماعی قوه قضائیه خواهیم پرداخت.

سیاست جنایی قضایی در پیشگیری اجتماع مدار(کلاسیک) برای حمایت از منابع طبیعی

پیشگیری جامعه مدار با تدابیری درصدد بهبودی و مساعد کردن محیط‌های اجتماعی کلان در اطراف فرد برای حذف علل جرم‌زا و مجرمانه می‌باشد (پاشائی وحید، ۱۳۹۱، ص ۲). لذا، پیشگیری عمومی در ارتباط با کل جامعه بوده و مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. با توجه به نقش حساس و پر اهمیت محیط در تشکیل و تکامل شخصیت و رفتارهای انسان، این جامعه است که باید در مرحله اول خود به رفع کمبودها و نیازها و ضعف‌های موجود اقدام و سپس از آحاد تشکیل دهنده‌اش انتظار رفتار مناسب و هماهنگ با ضوابط را داشته باشد؛ لذا پیشگیری بزه‌کاری باید از اصلاح محیط آغاز گردد (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۳). بنابراین چون اساس محیط‌زیست (و منابع ملی) متعلق به هیچ‌کس نیست و خداوند آن را برای همگان قرار داده‌است، کسی نمی‌تواند خود را مالک آن تلقی کند. این طرز فکر سبب خواهد شد که محیط‌زیست (و منابع ملی) به عنوان یک منفعت جمعی در نظر گرفته شود و اشخاص به دلیل مشاعی بودن سهم نیابتی خویش، از دخل و تصرف در آن پرهیزند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۲۳۱).

در جمهوری اسلامی ایران براساس اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست از جمله منابع طبیعی وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و فعالیت ضد منابع طبیعی ممنوع می‌باشد، با توجه به این اصل باید مقدمه مشارکت فعالانه جامعه در جهت فرهنگ‌سازی حفظ و حمایت از منابع طبیعی آموزش داده شود. باید افزود، در زمینه بزه‌کاری در منابع طبیعی قوه‌قضائیه با سیاست قضایی خود باید در صدد ایجاد یک فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه برآید، مثلاً در جاهای که قطع بی‌رویه درختان شکل می‌گیرد از طریق فرهنگ آموزش به جامعه که این کار در آموزش‌های دینی و

قانون نهی شده است و با کمک رسانه‌های جمعی این امر نهادینه شود. در برخی از مناطق قطع درختان یا تصرف اراضی ناشی از ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد و ریشه‌ی آن فقر و کمبود امکانات است از این رو قوه قضاییه با کمک سایر نهادهای ذی‌ربط می‌تواند به تدریج در صدد رفع این مهم برآید به عنوان نمونه برای جلوگیری از قطع درخت به آن مناطق گازکشی شود. همچنین تبلیغ بر ارزش منابع طبیعی برای مردم نیز می‌تواند از ایجاد جرم پیشگیری نماید. از این رو تضعیف عوامل اجتماعی بستر ساز بزه در عرصه منابع طبیعی می‌تواند از ارتکاب جرم بکاهد.

لازم است بگویم که در پیشگیری جامعه مدار، سیاست جنایی با تدابیر پیشگیرانه برای تمام جامعه و شهروندان، آنها را به سمت و سوی زندگی سالم و به دور از بزه و جرم سوق می‌دهد و بر آن تأکید دارد، و نیز به محیط‌های عمومی و شخصی اهتمام بیشتری دارد و می‌کوشد با بالا بردن سطح زندگی رفاهی خانواده‌ها، آموزش و پرورش همگانی، فقرزدایی و اشتغال‌زایی، عوامل جرم‌زا و بزه را در جامعه کاهش دهد (رجوع کنید به نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸). ما نیز مانند بسیاری بر این باوریم که پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی با هدف کاهش یا حذف انگیزه‌های ارتکاب جرم پیش از وقوع آنها و مقابله با علل ریشه‌ای جرم، از مهمترین روش‌های مبارزه با تبهکاری و انحرافات رفتاری است (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۴).

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط مقام معظم رهبری (مدظله) در بند ۸ درباره‌ی تحول در نظام آموزش و پرورش است که در بُعد آموزش در عرصه‌ی حمایت و حفاظت از منابع طبیعی خالی از لطف نخواهد بود. همچنین در بند ۳-۲۰ این ابلاغ، استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی مورد تأیید معظم‌له می‌باشد که می‌توان تخریب و تصرف و نابودی منابع طبیعی و اراضی ملی را نوعی ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی قلمداد نمود و با استفاده از آموزش و رسانه‌ها می‌توان از این ناهنجاری‌ها و بزه‌کاری‌ها جلوگیری نمود.

۱. تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی مدار برای حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند که قوه قضاییه دارای ماهیتی قهرآمیز دانسته و در زمینه‌ی پیشگیری چندان مؤثر

نمی‌باشد، در مقابل برخی معتقدند که قوه قضاییه می‌تواند پیشگیری از جرم را عهده‌دار باشد، زیرا با وقوع جرم حاکم شرع وظیفه‌ی مداخله دارد و بدون متوسل شدن به قوه مجریه و نیروی انتظامی و سایر نهادها می‌تواند پیشگیری از جرم نماید (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰). اما باید اذغان داشت، قوه قضاییه به عنوان قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، عهده‌دار اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌باشد. لذا، می‌توان گفت که این بند ماهیت فرهنگی و اطلاع عمومی توجه شده‌است و پیشگیری از وقوع جرم جزء وظایف ذاتی این قوه است. همچنین نباید دچار این شبهه و اشتباه شد که بند ۵ ماهیت و مبنای حقوقی و قضایی دارد و باید به موضوع و وجه میان رشته‌ای بودن آن در تمام علوم به خصوص در بُعد فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناسی آن توجه کرد و آن را وسعت داد. افزون بر این، پیشگیری از جرم به خصوص در حوزه منابع طبیعی وظیفه هر ایرانی است، و هر شخصی می‌تواند به عنوان شهروند جرایم تخریب و تصرف اراضی ملی و منابع طبیعی را به محاکم قضایی برای پیشگیری از جرم گزارش نماید.

چنانچه در تبصره‌ی ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه کلیه دستگاه‌ها را ضابط قوه قضاییه می‌داند و ملکف شده‌اند که در صورت درخواست قوه قضاییه زیر نظر این قوه آموزش‌های تخصصی را فرا بگیرند و نیز در بند «د» ماده ۲۱۱ برای اصلاح رفتار قضایی و حقوقی مردم ترویج فرهنگ قانون‌مداری و پیشگیری از جرم به عنوان راهکار ارائه شده‌است. افزون بر این موارد، آموزش همگانی بر طبق برنامه مصوب قوه قضاییه از طریق صدا و سیما و آموزش همگانی حقوق شهروندی در زمینه محیط‌زیست از جمله منابع طبیعی از طریق صدا و سیما و پیش‌بینی مواد آموزشی درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه از وظایف و اقدامات هست که این قوه باید انجام دهد. لذا بر اساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون فوق سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف می‌باشد برای فرهنگ‌سازی همگانی از طریق رسانه در خصوص آسیب‌ها و موارد پیشگیری از جرم در حمایت از عرصه‌ی منابع طبیعی با همکاری قوه قضاییه و دستگاه‌های ذی‌ربط مانند سازمان منابع طبیعی و سازمان محیط‌زیست، اطلاع

رسانی کافی و لازم را بنماید. مثلاً با تهیه برنامه‌های آموزشی علمی و جذاب و با پخش در زمان مناسب، مضرات و معایب چرای بی رویه دام در مراتع و قطع بی‌رویه درختان را گوش‌زد و اطلاع‌رسانی کرد.

شایان ذکر است که بر اساس بند «ه» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم کشور، نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر جمعیت هلال احمر و شهرداری‌ها در چهارچوب وظایف محوله‌ی خود همکاری لازم را باید در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، با قوه قضاییه به عمل آورند. لازم به ذکر است که در بند «د» ماده ۳۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور تولید و پخش برنامه‌های آموزشی، ترویجی منطبق با بهره‌وری و انتقال یافته‌های علمی به بهره‌برداران، برای حمایت از محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور با تأمین مالی وزارت جهاد کشاورزی توسط سازمان صدا و سیما از وظایف دولت می‌باشد.

دادستان در جامعه به عنوان مدعی‌العموم می‌تواند در کاهش جرایم منابع طبیعی با برنامه‌ریزی و تدابیر قضایی در کاهش و پیشگیری از جرایم نقش بسزای داشته باشد. همچنین دادستان با توجه به نقش قانونی خود در پیشگیری از جرم در، ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، شورای عالی پیشگیری از جرم، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص و نیز شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی عضویت دارد و در حمایت از منابع ملی می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای با توجه به وظایف قانونی خود ایفا نماید (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: گلدوست جویباری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱-۲۱۷). لذا با تربیت و آموزش ضابطین و نیز ترویج فرهنگ حمایت از منابع طبیعی در کارگروه‌ها و جامعه می‌تواند از جرایم حوزه منابع طبیعی تا حدود زیادی بکاهد.

افزون بر موارد فوق، محققان به واگذاری بازپروری بزه‌کاران به قوه قضاییه اشاره دارد و معتقدند که اصلاح، بازپروری و درمان و بازگشت او به جامعه در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی ریشه دارد و طبق قانون اساسی از وظایف دستگاه قضا می‌باشد (برای مطالعه رجوع کنید به: نیازی پور، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰)، با توجه به این توضیح در حوزه حمایت قضایی از منابع طبیعی محاکم می‌توانند محکومین جرایم حوزه منابع طبیعی را آموزش دهند و آنها را در جهت

خدمات عمومی رایگان مانند کشت نهال و آبیاری آنها سوق دهند و در جهت آن در رسانه‌های جمعی تبلیغ مناسب و آموزنده نمایند تا تأثیر آن بر جامعه افزون شود.

۲. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بر اعمال سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن)^۱ از دو طریق می‌تواند به نظام عدالت کیفری در جهت رسیدن به اهدافشان کمک کند. از یک سو، با اعلام گزارش جرایم به کشف و تعقیب جرایم و از طرفی با نقش آفرینی در فرآیند کیفری به مجرمان و بزه‌دیدگان کمک می‌نماید (کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲).

در این بین سازمان‌های غیردولتی با همکاری نهادها و مراکز آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه‌ها و با همکاری قوه قضاییه و در کنار آن معاونت پیشگیری از جرم با حساس کردن موضوع منابع طبیعی در افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی، نقش بسزای در حمایت از منابع طبیعی و اراضی ملی می‌تواند ایفا نماید. همچنین با توجه به اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به امر خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی همگانی است، لذا به عنوان نمونه می‌توانند به کاهش جمعیت درختان و مضرات تخریب مراتع و جنگل‌ها هشدار دهند تا در جهت تنویر افکار عمومی و جامعه برآیند. به این ترتیب، در این خصوص می‌توان توسط نهادهای دولتی و غیردولتی با کمک معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه و نیروی‌های ضابط دربارهی پیشگیری از جرایم منابع طبیعی هم‌اندیشی و همایش برگزار کرد. همچنین این معاونت می‌تواند با ترویج فرهنگ سیانت و حمایت از منابع طبیعی از طریق نهادهای مردم‌نهاد و به اشتراک گذاشتن دانش و اطلاعات فنی و علمی و مشارکت در اطلاع‌رسانی نماید و حمایت و حفاظت از منابع طبیعی را وظیفه همگانی اعلام کند. هر اندازه بستر فرهنگی و اجتماعی پیشگیری از تصرف و تخریب منابع طبیعی و اراضی ملی توسط این نهادها مهیا باشد، سیاست جنایی قضایی و عدالت کیفری با شتاب و سرعت کیفی به اهداف خود می‌رسد.

1. NGO

بدین ترتیب به منظور حمایت و حفاظت از منابع طبیعی برای آیندگان، نیازمند ایجاد نهادهای مردمی جهت کامل کردن سیاست‌های قضایی می‌باشیم. جدیدترین حمایت و توجه ویژه قانونگذار، در عرصه‌ی منابع طبیعی و زیست محیطی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نمایان است. این ماده متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی قضایی و مشارکتی بر محور جامعه مداری و مداخله مردم در برابر جرایم منابع طبیعی و اراضی ملی می‌باشد. بر این اساس ماده ۶۶ قانون مارالذکر به حمایت از سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آنها در حوزه حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست است، می‌پردازد. این ماده اشعار می‌دارد، کسانی که عضو این سازمان‌های مردم‌نهاد هستند می‌توانند در جهت سرعت بخشی به سیاست جنایی قضایی محاکم، در صورت ارتکاب جرم در زمینه‌ی منابع طبیعی می‌توانند اعلام جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی نیز شرکت کنند و محاکمات موضوع ماده فوق‌علنی می‌باشد. لذا قوه قضاییه باید به بررسی و پیگیری گزارش‌های مردمی در جرایم منابع طبیعی به منظور تحقق عملی به منویات مقام معظم رهبری در استناد به اصل ۴۵ قانون اساسی برای صیانت و حمایت از اراضی ملی کشور، پردازد.

باید افزود، احراز صلاحیت این سازمان‌ها وفق تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون فوق باید به تأیید مراجع صالح برسد به این ترتیب که اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی حمایت از منابع طبیعی در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری و همکاری وزیر کشور تهیه و در نهایت به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. مضافاً بر اساس آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۸۴ هیأت وزیران، به سازمان‌های غیردولتی اجازه فعالیت در موضوع مناسب را داده‌است و جهت دادخواهی براساس اصل ۵۰ قانون اساسی و ماده ۱۶ آیین‌نامه در مراجع قضایی و شبه‌قضایی می‌توانند در جهت حفظ منافع عمومی اقدام نمایند.

در خصوص این موضوع برخی معتقدند که وجود برخی نواقص و ابهامات در قوانین فعلی و برخی خلاءهای قانونی سبب گردیده حمایت‌های قانونگذار از اراضی ملی فاقد آثار پیشگیرانه و حتی در مواردی مشوق افراد در تصرف غیرقانونی اراضی ملی نیز باشد (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۶). از

سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و جامعه‌ی مدنی با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و در نتیجه زمینه ساز ظهور بحرانی گسترده در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی شده است. در نتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم منابع طبیعی دچار نوعی تعارض و تضاد شده است. تعارضی که منجر به اختلال و ناکارآمدی سیاست جنایی شده و تحرک و پویایی آن را متوقف و دچار تزلزل و رکود نموده است؛ تا آنجا که شاهد بروز پدیده بحران منابع طبیعی هستیم. تعدد و کثرت قوانین و ضعف تخصص و تخصص‌گرایی در قانونگذاری دو مورد از جلوه‌های مهم این تعارض در سیاست جنایی محسوب می‌شوند (اکبرآبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱). به نظر می‌رسد این مهم نیازمند بازنگری کلی در قوانین موضوعه داشته باشد و قوانین پیشگیرانه‌ای وضع شود تا منابع اقدامات بزه‌کارانه در این حوزه شود.

۳. حذف باورهای غلط در اذهان عمومی برای حمایت از منابع طبیعی

در بررسی برخی از پرونده‌های شعب دادگاه‌های دادگستری ملاحظه شد که تعدادی از افراد بدون اینکه از قوانین قوانین اطلاع داشته باشند، بر یک باور سنتی و غلط خود را مالک یقینی اراضی مجاور اراضی ملی و منابع طبیعی می‌دانند و گاهاً بدون اینکه سوء نیتی داشته باشند، مالکیت دولت را نادیده گرفته و اراضی ملی و منابع طبیعی را تصرف می‌کنند. حذف این باور غلط با فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی از طریق روزنامه و رسانه‌های جمعی با همت معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه با کمک سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری و سایر نهادهای ذی‌ربط میسر خواهد بود و در نهایت تاحدی از جرایم این حوزه پیشگیری می‌گردد. لذا حذف این باور غلط با پیشگیری سیاستی قوه قضاییه در اجتماعی و جامعه هدف مانند روستاها با آموزش قوانین در حوزه منابع ملی و طبیعی امکان‌پذیر است در این صورت حجم وردی پرونده‌های این دعاوی تا حدی چشم‌گیری کاهش خواهد یافت.

پیشگیری اجتماعی رشدمدار در حمایت از منابع طبیعی

افراد جامعه را می‌توان در همان ابتدای کودکی برای حمایت از عرصه منابع طبیعی با کمک

مسئولان مربوطه با آموزش و پرورش فکری داد. لذا، برخی پیشگیری فرد مدار را نوعی سیاست جنایی در پرتو سپری شدن چگونگی فرآیند رشد و پرورش شخصیت افراد می‌دانند (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۹۷). نویسندگان معتقدند، اینگونه پیشگیری در صدد علت شناسی جرم می‌باشد و می‌کوشد در محیط‌های اجتماعی فرد مانند محیط اقتصادی، فرهنگی، خانواده و غیره، با حذف و خنثی کردن علل تکوینی جرم و با تغییر در اوضاع و احوال، رفتار ضد اجتماعی را کاهش دهد (پاشائی وحید، ۱۳۹۱، ص ۲). نویسندگان این حوزه، پیشگیری رشد مدار را پیشگیری زودرس نیز نامیده‌اند و آن را از شیوه‌های پیشگیری اجتماعی دانسته‌اند و می‌گویند که این نوع از پیشگیری عوامل خطرزا، تقویت‌ساز و کارهای حمایتی و مداخله جویانه را با بهره‌گیری از اقدامات و تدابیر روانشناختی زود هنگام، شناسایی می‌کند و از بزه‌کاری و اصرار بر جرم پیشگیری و ممانعت می‌نماید و این اقدامات باید قبل از بروز اختلال‌های که کودک در معرض آن است انجام گردد (کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۹). همچنین ترویج آموزهای اخلاقی نیز می‌تواند در حوزه حفظ منابع طبیعی بسیار کارآمد باشد (رجوع کنید به: احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۲۱۵). بنابراین، در خصوص ویژگی‌های پیشگیری رشد مدار می‌توان گفت: آموزش و پرورش محور می‌باشد، به دنبال خطراتی که کودکان و نوجوانان در معرض آن هستند، است، در تمام مراحل رشد کودکان و نوجوانان قابل اعمال و فقط ناظر به رفتار آنهاست و همچنین زمان‌بر می‌باشد (رجوع کنید به پاشائی وحید، ۱۳۹۱، ص ۴-۵). محققان معتقدند که شخصیت انسان بیشترین تأثیر را از اعتقادات و آموزه‌های دینی دارد، این باورها و اعتقادات می‌تواند تا حدودی نقش پیشگیرانه در فرد داشته باشد (رجوع کنید به: احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۲۱۵).

به این ترتیب، با توجه به مدل پیشگیری فرد مدار از ابتدای کودکی نحوه‌ی برخورد با منابع طبیعی و محیط‌زیست توسط مدارس، مساجد و نهادهای متولی مانند صدا و سیما، قوه قضاییه و خانواده و نظایر اینها به کودک آموزش داده می‌شود و احتمال انگیزه‌ی بزه و جرم در وی کاهش می‌یابد. بنابراین هر یک از این نهادها می‌توانند با آموزش‌های لازم در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی مانند عدم قطع درختان و کشت نهال و مانند این موارد خود گام‌های مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌ها در این حوزه بردارند.

سیاست جنایی قضایی در پیشگیری وضعی برای حمایت از منابع طبیعی

این نوع پیشگیری به صورت علمی در دهه‌ی ۱۹۸۰ در کشور انگلستان مطرح شد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجراء می‌گذارد که فرآیند از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم با توسعه‌ی امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان‌ها و محله‌ها (حصار کشی) که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه‌تر شدن اعمال مجرمانه می‌شود، همراه است (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۵). برخی معتقدند که پیشگیری وضعی موقعیت‌های خطر بزهکاری و آماج‌های بالقوه را رصد و شناسایی می‌کند و سپس با اتخاذ تدابیر و فنونی تلاش می‌شود که مانع عملی شدن و به فعلیت درآمدن حالت و وضعیت بالقوه شوند (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۴۲). در عین حال پیشگیری وضعی بر بزه دیده تأکید دارد و موقعیت و فرصت ارتکاب جرم را با کمک گرفتن از بزه‌دیده کم می‌کند (کوشا، ۱۳۹۳، ص ۴۶). برخی پیشگیری وضعی را مدیریت موقعیت برای کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم قلمداد نموده‌اند و اظهار می‌دارند که به علت بازده زود هنگام مورد استقبال سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف می‌باشد (قماش‌ی و عارفی، ۱۳۹۶، ص ۸۶).

به عنوان مثال در عرصه منابع طبیعی در مناطق حساس با دستور قضایی حصارکشی دور محوطه‌ی حفاظت شده انجام شود یا با دستور دادستان، افزایش نیروی یگان حفاظت از عرصه‌های طبیعی حمایت جدی‌تر شود تا از تخریب و تصرف اراضی ملی و قطع درختان و چرای در مراتع جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه مطرح شد، اما چنین شرایطی می‌تواند معادلات مجرم را به هم ریخته و اجرای تخریب و تصرف در منابع طبیعی را مشکل‌تر و پرهزینه‌تر کند، لذا اقدامات پیشگیرانه وضعی موجب انصراف مجرمان از روی آوردن به جرم و انقطاع مراحل جرم در منابع طبیعی می‌گردد. باید افزود، قوه قضاییه در راستای وظایف پیشگیرانه‌ی خود با سایر دستگاه‌های متولی امر حمایت و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند با راهکارهای علمی و تخصصی در صدد پیشگیری وضعی با افزایش خطر، حذف بهانه‌ها، کاهش تحریک، کاهش منافع برآید.

با توجه به منویات مقام معظم رهبری (مدظله)، در راستای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی و حمایت از حقوق عمومی و پیشگیری از تخریب و تصرف اراضی و منابع طبیعی و در اجرای اصول ۴۵، ۴۹، ۵۰ و ۱۵۶ قانون اساسی شورایی به نام «شورای حفاظت از حقوق بیت المال در اراضی ملی و منابع طبیعی» در سال ۱۳۸۳ و با دستور رئیس قوه قضاییه در ۳۰ استان تشکیل شد. پس از تشکیل شورا دست متجاوزین به بیت المال و اراضی ملی تاحدودی کوتاه شده و تصرف اراضی ملی و منابع طبیعی در سطح استان های کشور تا حدی کاهش یافت. در این راستا شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی باید در تمام استان ها با بهره گیری اصل اساسی «پیشگیری» استراتژی مدونی را به کلیه دستگاه های دولتی و ادارات، به خصوص شهرداری ها ابلاغ کند که نسبت به شناسایی و مراقبت مستمر و تحجیر و تشجیر زمین های منابع طبیعی دست بکار شوند چرا که بخش قابل اعتنایی از تصرفات، مربوط به این اراضی بوده است.

متعاقباً به منظور اجرای مصوبه ۳۷/۴/۱۳۸۳ ریاست محترم قوه قضاییه و در جهت اجرایی کردن تدابیر و تصمیمات شورا، دستورالعملی تدوین شد که به موجب آن، شورای حفظ حقوق بیت المال با هدف حفظ حقوق عامه با برخورد قاطع با افرادی که به منظور تحصیل مال نامشروع و زمین خواری مرتکب تصرف، تخریب و تجاوز به اراضی و املاک دولتی و عمومی، زمین های زراعی، باغ ها، فضای سبز، جنگل ها و مراتع، تغییر کاربری داده می شود، رسیدگی به جرایم زمین موضوع زمین خواری را به صورت ویژه و تخصصی به محاکم ذیربط ارجاع دهد. به موجب ماده ۳ و ۵ این دستورالعمل، دادستان کل کشور، دبیر شورای حفظ حقوق بیت المال بوده و مسئول تشکیل و اداره شورا و پیگیری مصوبات و نظارت بر هماهنگی بین نهادهای مسئول را برعهده خواهد داشت^۱ (تخلیص از: نقره کار، ۱۳۹۶، ۱۵ فروردین؛ نقره کار، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱؛ گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷).

۱. تخلیص از: نقره کار، صالح (۱۳۹۶)، راهکارهایی برای مقابله با زمین خواری، ۱۵ فروردین، کد خبرکد خبر ۶۵۱۴۶۵
(<https://www.khabaronline.ir>)

به موجب ماده ۸ این دستورالعمل وظایف و اختیارات شورا به منظور پیشگیری از جرم تبیین شده است که اهم آنها: ۱. شناسایی متجاوزین و تخریب کنندگان اموال دولتی و عمومی (موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ قانون زمین شهری) و منابع طبیعی موضوع قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع و فضاهای سبز و باغات و مواد موضوع ماده یک لایحه حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها و قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و انفال (موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی) و معرفی آنان به مراجع قضایی و پیگیری موضوع تا حصول نتیجه ۲. شناسایی جاعلین اسناد مربوط به املاک مزبور و استفاده کنندگان از آن به قصد خرید و فروش و سودجویی و معرفی مرتکبین به مرجع قضایی ۳. جلوگیری از تغییر کاربری متقلبانه یا غیرقانونی اراضی زراعی و باغ‌ها ۴. شناسایی متجاوزین به حریم و بستر دریاچه، رودخانه‌ها، سدها و گسل‌ها ۵. جلوگیری از رانت خواری و حیف و میل اراضی ملی و دولتی و عمومی ۶. شناسایی متجاوزین به اراضی بلاصاحب و بلاوارث و معرفی آن‌ها به مراجع قضایی و انجام اقدامات لازم جهت رفع آن تجاوز از اراضی مزبور ۷. اخذ و جمع آوری اطلاعات مربوط به اراضی ملی، دولتی، عمومی، بلاصاحب و بلاوارث ۸. انجام هرگونه اقدام لازم جهت حفظ و جلوگیری از تصرفات و تخریب و ساخت و سازهای غیرمجاز و عنداللزوم علامت گذاری، حصارکشی، نصب تابلو در این اراضی ۹. تشکیل کمیته های کاری شامل (واحد هماهنگی اطلاعات، واحد عملیات و اجرا، واحد حقوق و قضایی) و ساماندهی کمیته های مزبور به منظور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر و ارائه گزارش به شورا شامل معاونین و کارشناسان عضو شورای حفظ حقوق بیت‌المال.

افزون بر موارد فوق، در ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ کارگروه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز متشکل از نمایندگان دستگاه‌های عضو ستاد پیش‌بینی شده است که معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه مسئولیت کارگروه پیشگیری را بر عهده دارد. لذا در این کارگروه پیشگیری، می‌توان در خصوص راه‌های پیشگیری از جرم و تخلفات در حوزه قاچاق چوب و ذغال به بررسی راهکارهای لازم در پرداخت تا مانع تخلف و پیشگیری از قاچاق چوب و ذغال شد و نیز حفظ و صیانت از منابع طبیعی تداوم یابد.

تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری وضعی موقعیت مدار

در کنار پیشگیری کیفری یا واکنشی، اقداماتی نیز از لحاظ پیشگیری کنشی یا غیرکیفری در تقابل با پدیده زمین‌خواری و تصرف و تخریب منابع طبیعی باید صورت پذیرد. مهمترین اقدام پیشگیرانه در این زمینه اجرای کامل طرح کاداستر و سامانه جامع ثبتی است. قانون اجرای طرح مذکور اخیراً تصویب و ابلاغ گردیده است و اداره ثبت و دولت باید اهتمام جدی در زمینه اجرای آن داشته باشد. از موارد دیگر می‌توان به اصلاح شیوه محافظت از اراضی ملی اشاره نمود که طی آن سازمان‌های متولی امور اراضی ملی و دولتی، با تعیین حدود و علامت‌گذاری اراضی ملی و نظارت بیشتر جهت جلوگیری از تصرف‌های غیرقانونی و ساخت و سازهای غیرمجاز می‌توانند نقش به‌سزایی در پیشگیری از این پدیده داشته باشند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶، ص ۷۴).

در برخی مناطق مرز میان اراضی ملی و مستثنیات قانونی با ترسیم نقشه مشخص می‌گردد ولی عملاً در برخی از اراضی ملی مرز میان اشخاص و منابع طبیعی که متعلق به دولت است مشخص نیست و مورد تهدید خطر تجاوز و تصرف افراد می‌باشد.

بر همین اساس وفق قسمت دوم تبصره ماده ۲۱۱ قانون برنامه توسعه پنجم کشور، قوه قضاییه با تدابیری وضعی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را به عنوان زیر مجموعه‌ی خود مکلف کرده است که برای کاهش جرایم ثبتی و کاهش رجوع پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، اسناد مالکیت قدیمی را تعویض نماید. لذا اسناد مالکیت دولت مربوط به اراضی ملی و منابع طبیعی را نیز می‌تواند در برگیرد. همچنین براساس تبصره بند «ح» ماده ۲۱۱ وزارت جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی و سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف به همکاری برای تهیه نقشه‌ی املاک خود براساس استاندارد حدنگاری (کاداستر) می‌باشند. به علاوه، این اعمال خود از وظایف قوه قضاییه شمرده می‌شود، که از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک، شناسایی اراضی ملی و منابع طبیعی قابل پیگیری است که می‌تواند به عنوان پیشگیری وضعی موقعیت مدار تا حد قابل چشم‌گیری از جرایم تصرف و تخریب عرصه منابع طبیعی بکاهد. از این‌رو سنتی بودن شیوه‌ی ثبت اسناد و املاک، در حوزه منابع طبیعی خود از عوامل جرم‌زا در زمینه‌ی زمین‌خواری و تصرف منابع طبیعی می‌باشد.

باید افزود که در قسمت ۲ بند «ک» ماده ۲۱۱ «استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌ها با اعمال وقت فوری و خارج از نوبت به طور خودکار» به قوه قضاییه محول شده است. لذا، با توجه به اینکه پرونده‌های جرایم عرصه منابع طبیعی بسیار حساس می‌باشد و رسیدگی خارج از نوبت در شعب ویژه دادگستری در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) و نیز سایر قوانین مربوطه که قبلاً به آنها اشاره شد، پیش‌بینی شده و امید است با پیشرفت مداوم، استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌های جرایم عرصه منابع طبیعی به صورت خارج از نوبت و در شعب ویژه و تخصصی با سرعت عمل بالا انجام پذیرد. این امر باعث می‌شود که برای حمایت از منابع طبیعی و ملی زمینه‌های سایر جرایم در این حوزه کاسته شود و قوه قضاییه به وظیفه‌ی خود به نحوه احسن عمل نماید. به این ترتیب، با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه در جهت اجرای و عملیاتی شدن کاهش و پیشگیری از جرایم توسط دستگاه قضایی مورد انتظار است.

افزون بر موارد فوق ایجاد سامانه جامع آماری در حمایت از منابع ملی و طبیعی با به روزکردن نقشه‌ها و عکس‌های هوایی لازم به نظر می‌رسد تا در صورت نیاز محاکم قضایی به آنها رجوع نمایند و عدالت را با سیاست جنایی قضایی مناسب اعمال نمایند.

کاهش منافع و حذف بهانه‌ها برای کاهش جرایم در حمایت از منابع طبیعی

ایجاد و فراهم کردن انرژی‌های جایگزین مانند نفت و گاز و برق، به جای ذغال و چوب از دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده است. بنابراین اقتضا دارد در صورت نیاز برخی از روستاها، طبق قوانین مدون تهیه چوب و ذغال از درخت‌های سرپا ممنوع (ماده ۱۵ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع) و منحصراً مازاد مقطوعات مورد پروانه و درخت‌ها و سرشاخه‌های افتاده موجود در جنگل‌ها استفاده شود. همچنین ادارات و سازمان‌های دولتی باید مکلف شوند بجای هیزم و ذغال از مواد نفتی و گاز استفاده نموده و دولت نفت و گاز را به بهای خیلی ارزان به نحوی که مردم استعمال آن را به ذغال و هیزم ترجیح دهند در دسترسی اهالی بگذارد تا بتدریج استفاده از نفت و گاز به جای هیزم و ذغال در همه جای کشور تعمیم یابد. همان‌طور که بهره-

برداری غیرمجاز از قبیل تهیه چوب بدون پروانه قبلاً از سوی قانونگذار ممنوع اعلام گردیده و تمامی احکام مبحث مربوطه بررسی شد، به اقتضا نیز استفاده و احداث کوره ذغال بدون پروانه نیز لزوماً بایستی ممنوع باشد، زیرا تبعات تخریبی غیرقابل جبران است. از این رو هرگاه انرژی جایگزین ارزان در دسترس عموم باشد دیگر استفاده از ذغال و چوب منافی آنچنانی جز زحمت برای مصرف کننده نخواهد داشت. در این صورت دستگاه قضا بدون هیچ دغدغه‌ای با سرعت بیشتر به نقش پیشگیرانه‌ی خود عمل می‌کند و در صورت بروز جرم در عرصه منابع طبیعی با برخوردی کیفری و قاطعانه وارد عمل می‌شود، لذا کاهش جرایم به صورت مشهود قابل لمس خواهد بود.

کنترل و مراقبت و نظارت از منابع طبیعی توسط دادستان و ضابطین دادگستری

حفاظت فیزیکی نامناسب توسط ضابطین یا یگان حفاظت از منابع طبیعی نسبت به اراضی ملی به دلیل گستردگی و وسعت آن یکی دیگر از چالش‌های عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی می‌باشد. از این رو نمی‌توان از همه منابع طبیعی با حضور فیزیکی با این وسعت جغرافیایی حفاظتو حمایت نمود، لذا قوه قضاییه و سازمان منابع طبیعی با برنامه‌ای مدون و تخصیص بودجه برای پیشگیری از جرم در این حوزه بسته به حساسیت منطقه، بعضی از اراضی که مستعد تصرف، تخریب و تجاوز هستند را مراقبت، کنترل و حفاظت نماید.

دادستان هر شهر وظیفه تعقیب و رسیدگی به جرایم علیه اموال، اراضی و املاک عمومی و دولتی را برعهده دارد. بنابر این، جهت جلوگیری از وقوع چنین جرایمی دادستان می‌تواند راهکارهای مناسب و ضروری را پیشنهاد نموده و به مرحله‌ی اجرا گذارد. شکی نیست که مراقبت از جنگل‌ها، مراتع، و حفظ محیط زیست از وظایف ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشد، لیکن دادستان در جهت پیشگیری از جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع و محیط زیست می‌تواند راه‌حل‌های وضعی و عملیاتی پیشنهاد کند و آنها را به مرحله‌ی اجرا درآورد. به عنوان مثال دادستان می‌تواند پیشنهاد کند جهت حفظ جنگل‌ها و مراتع کشور همانند گذشته گارد ویژه تشکیل گردد. بدیهی است نیروی انتظامی با توجه به گستردگی وظایفش می‌تواند به خوبی از عهده‌ی این کار برآید و

توان و نیروی کافی را برای انجام این وظیفه ندارد. بنابر این، جهت پیشگیری از ارتکاب جرایم علیه جنگ‌ها و مراتع کشور نیاز به نیروی ثابت و کارآمد می‌باشد که البته قانونگذار باید با تصویب قانون در مسیر تحقق آن گام بردارد و تا آن زمان دادستان می‌تواند از سایر ضابطین مانند بسیج و نیروی انتظامی در نقاطی از کشور که احتمال وقوع این دسته از جرایم بیشتر است مأموریت دهد تا از ارتکاب آن‌ها پیشگیری کنند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹-۲۲۰).

شایان ذکر است که در این راستا قانونگذار در قسمت ۲ بند «ج» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور در «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطین قوه قضاییه در راستای آموزش و توانمندسازی و آموزش تخصصی آنها» ملکف شده‌است. بنابراین با گسترش جمعیت یگان حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آنها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به این ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. از این رو به موجب بند «ب» ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد. همچنین برای حفاظت از منابع طبیعی در ماده ۲۲ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، در صورت لزوم و نیاز سازمانی به نام گارد مسلح جنگل در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری از افسران و درجه‌داران و افراد ارتش تشکیل می‌شود که این مهم به نظر امروز به سایر نیروهای نظامی از جمله سپاه پاسداران قابل تعمیم می‌باشد.

در خصوص نظارت بر منابع طبیعی در قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور در ماده ۴۵ در صدد پیشگیری وضعی برآمده‌است و اشعار می‌دارد که آتش‌زدن نباتات در مزارع و باغ‌ها داخل یا مجاور جنگل‌ها بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی (یگان حفاظت) ممنوع است و اگر حریق در اثر بی‌مبالاتی باشد مستوجب حبس خواهد بود. از این رو مأمورین یگان حفاظت از منابع طبیعی با نظارت خود می‌توانند نقش پیشگیرانه‌ای در بروزه بزه در این خصوص را ایفا نمایند.

شایان ذکر است که یکی از معاونت‌های تخصصی در پلیس آگاهی نیروی انتظامی، معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی است که وظیفه کشف جرایم اقتصادی از جمله زمین‌خواری در قالب کلاهبرداری و جعل و غیره را دارد (مقیمی و بایاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)، این پلیس می‌تواند با همکاری اداره منابع طبیعی جرایم حوزه زمین‌خواری در عرصه منابع طبیعی را رصد نماید و گزارش کار را به مقام قضایی ارائه نماید تا مقام قضایی با اعمال سیاست جنایی قضایی صحیح و مناسب و صدور دستور قضایی توسط این پلیس در راستای جلوگیری و پیشگیری از جرم اقدام نماید.

برخی محققان به آمارها و اطلاعات پرونده‌های تشکیل شده در حوزه زمین‌خواری در نیروی انتظامی اشاره می‌کنند و عواملی را بستر ساز وقوع این جرم می‌دانند، از جمله این عوامل ۱. موجود نبودن سیستم یکپارچه و جامع اطلاعات ثبت اسناد و املاک در کشور ۲. قابل توجه بودن منافع حاصل از ارتکاب جرم مذکور ۳. ضعف عملکرد دستگاه‌های نظارتی و عدم سرعت و قاطعیت در برخورد با متخلفان و مجرمان (مقیمی و بایاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶)، همچنین موانعی را برای مبارزه با زمین‌خواری در منابع طبیعی بیان می‌دارند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. عدم وجود تعامل لازم بین دستگاه‌های متولی زمین و مبارزه با زمین‌خواری ۲. عدم وجود نقشه جامع از زمین‌های کشور ۳. عدم وجود بانک اطلاعاتی یکپارچه و مرتبط با زمین ۴. وجود قوانین متعدد و گاه معارض با یکدیگر و عدم بازدارندگی مجازات‌های تعیین شده فعلی ۵. پیشبرد طرح کاداستر و نهایی کردن آن ۶. عدم وجود سازمان مشخص و متولی مبارزه با زمین‌خواری ۷. عدم صدور سند قطعی املاک دولتی (مقیمی و بایاری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱).

با توجه به مطالعه و بررسی عوامل بستر ساز جرم و بررسی موانع و چالش‌های زمین‌خواری می‌توان گفت که با حذف هر یک از این عوامل و موانع و تصحیح آن می‌توان از وقوع جرم در عرصه منابع ملی و طبیعی جلوگیری و پیشگیری وضعی نمود و این امر برای اعمال سیاست جنایی قضایی مناسب و کارآمد جز با همکاری سازمان منابع طبیعی، ضابطین و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با قوه قضاییه میسر نخواهد بود.

آنچه مسلم است، اعمال هریک از روش‌ها به تنهایی نمی‌تواند موجب پیشگیری قطعی بزهکاری شود. هرچند ممکن است به طور مقطعی یا موضعی مؤثر باشد. نابراین مهمترین ساز و کار در مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم، استفاده‌ی تلفیقی از انواع روش‌های پیشگیری خواهد بود (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۶۶). شاید این مدل‌های پیشگیری به طور مطلق جزایم حوزه منابع طبیعی را کاهش ندهد اما با اجرای صحیح و کارآمد تا حدی زیادی می‌توانند از بروز جرایم و تخریب و تصرف منابع طبیعی و قطع و آتش زدن بی رویه درختان بکاهد بحث در این خصوص نیازمند یک پژوهش جداگانه است.

بحث و نتیجه‌گیری

حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ملی مستلزم همکاری مردم با سازمان‌ها و قوه قضاییه می‌باشد. لذا برای اعمال سیاست جنایی کارآمد از سوی محاکم قضایی و غیرقضایی حمایت‌های نهادی پیشگیرانه از جرایم و حمایت قانونگذار با تصویب قوانین کارآمد و بازدارنده لازم است. با توجه به ادبیات پژوهش خلاءهای و معایبی در حوزه‌ی حمایت از منابع ملی و طبیعی نمایان شد که در نهایت نتایج حاصل شده از این پژوهش بیان می‌گردد.

در جمهوری اسلامی ایران براساس اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست از جمله منابع طبیعی وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و فعالیت ضد منابع طبیعی ممنوع می‌باشد، با توجه به این اصل باید مقدمه مشارکت فعالانه جامعه در جهت فرهنگ‌سازی حفظ و حمایت از منابع طبیعی آموزش داده شود. باید افزود، در زمینه بزه‌کاری در منابع طبیعی قوه قضاییه با سیاست قضایی خود باید در صدد ایجاد یک فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه برآید، مثلاً در جاهای که قطع بی‌رویه درختان شکل می‌گیرد از طریق فرهنگ آموزش به جامعه که این کار در آموزش‌های دینی و قانون نهی شده‌است و با کمک رسانه‌های جمعی این امر نهادینه شود. در برخی از مناطق قطع درختان یا تصرف اراضی ناشی از ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد و ریشه‌ی آن فقر و کمبود امکانات است از این رو قوه قضاییه با کمک سایر نهادهای ذی‌ربط می‌تواند به تدریج در صدد رفع این مهم برآید به عنوان نمونه برای جلوگیری از قطع درخت به آن مناطق گازکشی شود.

همچنین تبلیغ بر ارزش منابع طبیعی برای مردم نیز می‌تواند از ایجاد جرم پیشگیری نماید. از این رو تضعیف عوامل اجتماعی بسترساز بزه در عرصه منابع طبیعی می‌تواند از ارتکاب جرم بکاهد. تخریب و تصرف منابع طبیعی دارای ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار نابسامانی می‌باشند که تدوین قوانین پیشگیرانه و مدونی در سطح ملی را می‌طلبد. لذا حذف این باور غلط با پیشگیری سیاستی قوه قضاییه در اجتماعی و جامعه هدف مانند روستاها با آموزش قوانین در حوزه منابع ملی و طبیعی امکان پذیر است در این صورت حجم وردی پرونده‌های این دعاوی تا حدی چشم‌گیری کاهش خواهد یافت.

به این ترتیب، با توجه به مدل پیشگیری فرد مدار از ابتدای کودکی نحوه‌ی برخورد با منابع طبیعی و محیط‌زیست توسط مدارس، مساجد و نهادهای متولی مانند صدا و سیما، قوه قضاییه و خانواده و نظایر اینها به کودک آموزش داده می‌شود و احتمال انگیزه‌ی بزه و جرم در وی کاهش می‌یابد. بنابراین هر یک از این نهادها می‌توانند با آموزش‌های لازم در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی مانند عدم قطع درختان و کشت نهال و مانند این موارد خود گام‌های مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌ها در این حوزه بردارند.

در عرصه منابع طبیعی در مناطق حساس با دستور قضایی حصارکشی دور محوطه‌ی حفاظت شده انجام شود یا با دستور دادستان، افزایش نیروی یگان حفاظت از عرصه‌های طبیعی حمایت جدی‌تر شود تا از تخریب و تصرف اراضی ملی و قطع درختان و چرای در مراتع جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه مطرح شد، اما چنین شرایطی می‌تواند معادلات مجرم را به هم‌ریخته و اجرای تخریب و تصرف در منابع طبیعی را مشکل‌تر و پرهزینه‌تر کند، لذا اقدامات پیشگیرانه وضعی موجب انصراف مجرمان از روی آوردن به جرم و انقطاع مراحل جرم در منابع طبیعی می‌گردد. باید افزود، قوه قضاییه در راستای وظایف پیشگیرانه‌ی خود با سایر دستگاه‌های متولی امر حمایت و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند با راهکارهای علمی و تخصصی در صدد پیشگیری وضعی با افزایش خطر، حذف بهانه‌ها، کاهش تحریک، کاهش منافع برآید.

همان‌طور که بهره‌برداری غیرمجاز از قبیل تهیه چوب بدون پروانه قبلاً از سوی قانونگذار ممنوع اعلام گردیده و تمامی احکام مبحث مربوطه بررسی شد، به اقتضا نیز استفاده و احداث

کوره ذغال بدون پروانه نیز لزوماً بایستی ممنوع باشد، زیرا تبعات تخریبی غیرقابل جبران است. از این رو هرگاه انرژی جایگزین ارزان در دسترس عموم باشد دیگر استفاده از ذغال و چوب منافی آنچنانی جز زحمت برای مصرف کننده نخواهد داشت. در این صورت دستگاه قضا بدون هیچ دغدغه‌ای با سرعت بیشتر به نقش پیشگیرانه‌ی خود عمل می‌کند و در صورت بروز جرم در عرصه منابع طبیعی با برخوردی کیفری و قاطعانه وارد عمل می‌شود، لذا کاهش جرایم به صورت مشهود قابل لمس خواهد بود.

با گسترش جمعیت یگان حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آنها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به این ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. از این رو به موجب بند «ب» ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد.

از سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و ایجاد سازمان‌های مردم نهاد با توجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و در نتیجه زمینه ساز ظهور بحرانی گسترده در منابع طبیعی شده است. در نتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی قضایی ایران با هدایت جلب مشارکت مردمی و نهادهی کردن منافع منابع طبیعی و فرهنگ‌سازی در این راه احساس می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله با موضوع «سیاست جنایی قضایی غیرکیفری در حمایت از منابع طبیعی» مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای صبار رحمت آبادی فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی که با راهنمایی آقای دکتر امیر احمدی به اتمام رسیده است. همچنین حقوق مادی و معنوی این مقاله متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶) جرم‌شناسی پیشگیری، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم. [تعداد صفحات ۲۲۰].
۲. احمدی، اصغر؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ میرشکار، مجتبی (۱۳۹۷)، پیشگیری اولیه از جرایم زیست محیطی در آموزش‌های قرآنی، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دانشگاه تهران، دوره‌ی چهارم، شمار ۱، بهار. [صفحات ۲۱۱-۲۳۹].
۳. اکبرآبادی، بهزاد، (۱۳۹۶). ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرایم منابع طبیعی، تهران: انتشارات آوا.
۴. پاشائی وحید، مهدی (۱۳۹۱)، نهادهای متولی پیشگیری رشد مدار در ایران و مقایسه آن با انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. عباسی، روح‌اله (۱۳۹۵)، بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی، مقاله اولین همایش بین‌المللی و مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست محیطی ایران، راهکارها و چالش‌ها، دوره ۱. [صفحات ۱ تا ۱۶].
۶. قماش، سعید و عارفی مرتضی (۱۳۹۶)، موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳، بهار تابستان. [صفحات ۸۵-۱۱۳].
۷. کوشا، مختار (۱۳۹۳)، پیشگیری غیر کیفری از وقوع جرم، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کهگیلویه و بویراحمد، شماره ۱۵، دوره هفتم، تابستان. [صفحات ۴۵-۶۲].
۸. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸)، چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، دوره‌ی جدید سال ششم، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان. [صفحات ۸۷-۱۰۴].

۹. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۳)، نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۶، دوره ۱۷، شماره ۲. [صفحات ۲۱۱-۲۲۳].
۱۰. محمد نسل، غلامرضا (۲۰۰۱)، امنیت انسانی پلیس و پیشگیری از جرم، مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
۱۱. معین، محمد (۱۳۷۲) فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، جلد ۱، ۳.
۱۲. مقیمی، محمد رضا و بایاری، عبدالرضا (۱۳۸۹)، بسترهای زمین‌خواری و رو شهای مقابله با آن، مجله کارآگاه، دوره دوم سال سوم، شماره ۱۱، تابستان. [صفحات ۱۰۹-۱۲۸].
۱۳. میرمحمد صادقی، حسین و اسلام رجبعلی (۱۳۹۶). تحلیل جرم زمی‌خواری از منظر حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتماد و یکم، شماره نود و هفتم، بهار. [صفحات ۵۳-۷۷].
۱۴. نجفی توانا، علی (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی، تهران: نشر آموزش و سنجش، چاپ هجدهم [تعداد صفحات ۲۷۳].
۱۵. نقره‌کار، محمد صالح (۱۳۸۸)، «نقش دادستان در پایش حقوق زیست محیطی» در کتاب نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول. [تعداد صفحات ۲۵۸].
۱۶. نقره‌کار، محمد صالح (۱۳۹۶)، راهکارهایی برای مقابله با زمین‌خواری، ۱۵ فروردین، کد خبر کد خبر ۶۵۱۴۶۵ (<https://www.khabaronline.ir>).
۱۷. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، تکالیف جرم‌شناسانه‌ی دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸، زمستان. [صفحات ۱۹۴-۲۲۲].
۱۸. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۸۴.
۱۹. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط مقام معظم رهبری (مدظله).
۲۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲۲. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۲۳. قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۲۴. قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ و اصلاحات بعد از آن.

۲۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و کتاب پنجم، تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.